

اگر آن مقدار که به حجاب حساسیت نشان می‌دهند به فساد بزرگ در همه جا حساس می‌شدند وضع حجاب و آموزش و پرورش تا حدودی بهبود می‌یافت.

از تفکر فاصله گرفته‌ایم!



رئیس فرهنگستان علوم گفت: اگر آن مقدار که بعضی دست اندرکاران به مسائلی چون حجاب یا فلان طرح عادی سازمان ملل و یونسکو حساسیت نشان می‌دهند، به فساد بزرگ موجود و منتشر در همه جا حساس می‌شدند، وضع حجاب و آموزش و پرورش هم تا حدودی بهبود می‌یافت.

به گزارش اسپادانا خبر، رضا دآوری اردکانی در دیدار با اعضای انجمن اندیشه و قلم، تاسیس این انجمن و دیدارها و نشست‌های آن را امیدبخش دانست و اظهار کرد: هرچند که تکنولوژی وظیفه تفکر را نیز به عهده گرفته و مخصوصاً گسترش فناوری اطلاعات دیگر مجال برای تفکر نمی‌گذارد، اما این وضع حتی اگر پایان دوران مدرن باشد، آن را پایان تفکر نمی‌توان دانست و باید به آینده امیدوار بود.

رئیس فرهنگستان علوم با بیان این که تفکر و امید به هم بسته‌اند، گفت: گرچه سیاست امر مهمی است؛ اما سیاست از عهده همه کارها و حل همه مسائل برنمی‌آید. تفکر نه فقط بر سیاست، بلکه بر علم هم تقدم دارد و در حقیقت تفکر است که علم و سیاست را بنیاد می‌کند و راه می‌برد. تفکر در حکم روح در تن علم و سیاست و اقتصاد است و به این‌ها جان می‌بخشد. مگر نه اینکه قرآن روحی تازه در تاریخ دمید و مبدأ تاریخ دیگری شد. اکنون در دیار ما چنانکه باید به تفکر اعتنا نمی‌شود و ظاهراً در این اواخر از تفکر فاصله گرفته‌ایم که دچار تفرقه شده‌ایم. باید ببینیم چه پیش آمده است و چه می‌توانیم و باید انجام دهیم.

وی افزود: ما غرب و جهان جدید را چنانکه باید، نمی‌شناسیم و در نمی‌یابیم. در تاریخ فلسفه تا دوره جدید، بشر را با اراده تعریف نمی‌کرده‌اند. اصلاً در فلسفه تا دوره جدید مسئله اراده مطرح نبود و این معنی از رنسانس وارد فلسفه شد و از آن زمان تمام تاریخ تجدد با اراده پیوند خورد. اروپا و تجدد هر چه دارد اعم از بد و خوب، از تفکر است. تفکری که با اراده در تکنولوژی و سیاست و فرهنگ متحقق شده است. کاش کشورهای توسعه‌نیافته بکوشند به سر پیشرفت غرب پی ببرند؛ اینکه می‌گویند غرب فکر و فرهنگ ندارد و فقط صنعتگر است و ما صاحب فرهنگیم و فرهنگ خود را حفظ می‌کنیم و از صنایع غربی بهره می‌بریم، حرف بدی نیست؛ ولی کاش، شدنی بود اما چه کنیم که این مسیر رفتنی نیست.

دآوری اردکانی ادامه داد: اکنون فرهنگی که کسانی آن را فرهنگ نمی‌دانند، پوچ و فاسدش می‌خوانند، سراسر روی زمین را تسخیر کرده است و ما نه فقط تکنولوژی غربی بلکه این فرهنگ را نیز مصرف می‌کنیم. در دهه‌های اخیر کشور ما از حیث توسعه کمی آموزش عالی پیشرفت‌هایی داشته است، ولی این پیشرفت‌ها چون بر طبق برنامه و متناسب با شرایط و نیازهای کشور نبوده، احیاناً ناهماهنگی‌ها را بیشتر کرده است. ما اکنون قریب به ۱۵۰ هزار دانشجوی دکتری داریم و قاعدتاً باید سالانه ۴۰ هزار رساله و مقاله داشته باشیم که به رفع مشکلاتمان کمک کند، اما این رساله‌ها و مقاله‌ها ناظر به مسائل جامعه و زندگی نیست و تنها فایده‌اش این است که در مجلات خارجی درج شود و آمار آثار و مقالات را بالا ببرد. ما چهل‌هزار فارغ‌التحصیل دکتری در سال برای چه می‌خواهیم؟ و چرا نمی‌کوشیم که توسعه آموزش عالی هماهنگ با شئون دیگر کشور صورت گیرد.

رئیس فرهنگستان علوم با اشاره به ضرورت توسعه‌یافتگی در ایران، گفت: در جهان توسعه‌نیافته، توسعه معمولاً از پایین

شروع نمی‌شود، بلکه حکومت باید اراده توسعه داشته باشد و اگر این اراده باشد، مردم همکاری می‌کنند و چه بسا که در این همراهی و همکاری بعضی پراکنده‌گی‌ها به وفاق تبدیل می‌شود. باید توجه داشت که توسعه امری همه‌جانبه و به اصطلاح پایدار است و باید در همه زمینه‌ها اعم از فرهنگ و آموزش و پژوهش و اقتصاد و مدیریت با هماهنگی صورت گیرد. پیداست که یک حکومت انقلابی نمی‌تواند تمام هم خود را صرف توسعه کند، ولی وقتی اعراض از توسعه یا بی‌اعتنایی به آن، منشأ مفاسد و گرفتاری‌ها می‌شود باید به نحوی انقلاب و توسعه را با هم جمع کرد. بخصوص که مقابله با فساد اداری و مالی و اخلاقی و روحی نه فقط با انقلاب منافات ندارد، بلکه باید از لوازم آن باشد. در مورد انقلاب و توسعه، مشکل، مشکل اولویت است. باید این هر دو را در عرض هم قرار داد. به نظر می‌رسد ما هنوز تکلیف و نسبت خود را با این امر مهم روشن نکرده‌ایم و حداقل اولویت مسائل در نظرمان روشن نیست. بی‌اعتنایی به توسعه و برنامه آن منجر به بروز مشکلات بسیار برای مردم و کشور می‌شود. البته تدوین برنامه توسعه هم کار آسانی نیست و ما هنوز توانایی خود را در این راه نیازموده‌ایم.

این استاد فلسفه با بیان اینکه مشکلاتی مانند بحران آب، آلودگی هوا، فقر و فساد را جز با برنامه‌ریزی دقیق نمی‌توان تعدیل کرد، گفت: اما چه کنیم که به این مسائل حیاتی اعتنا نمی‌شود. ما مسائل اجتماعی و فرهنگی را هم بد مطرح می‌کنیم. در مورد زنان، گروهی صرفاً به حجاب توجه دارند و گروه دیگر می‌گویند زنان باید وزیر شوند. البته وزیر شوند اما صرف وزیر شدن کافی نیست، چنانکه حجاب هم به فرض اینکه محقق شود، کفایت نمی‌کند. طبیعی است اگر این اولویت‌ها مشخص نشود، نمی‌توان با مسائل مواجهه‌ای اندیشمندانه داشت. اگر آن مقدار که بعضی دست‌اندرکاران به مسائل چون حجاب یا فلان طرح عادی سازمان ملل و یونسکو حساسیت نشان می‌دهند، به فساد بزرگ موجود و منتشر در همه جا حساس می‌شدند، وضع حجاب و آموزش و پرورش هم تا حدودی بهبود می‌یافت.

داوری با اشاره به آسیب‌شناسی نظام آموزش و پرورش کشور و با بیان این نکته که ۵۰ سال است به این مساله فکر می‌کند، افزود: نه در میزان اندیشه اسلامی و نه در میزان فکر متجددان، وضع فعلی آموزش و پرورش مطلوب و مناسب نیست. شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمان ریاست جمهوری مرحوم هاشمی رفسنجانی موافقت کرد که بنیاد نظام آموزشی دگرگون شود و برای این امر شورایی به نام "شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش" تشکیل داد. این شورا ۱۰-۱۲ سالی برای تدوین نظام جدید آموزش و پرورش کوشید، اما به نتیجه نرسید و البته نگفت که به نتیجه نرسیده است و کاش گفته بود؛ زیرا تا شکست را نپذیریم از آن درس نمی‌آموزیم.

وی اظهار کرد: هنوز نتوانسته‌ایم راه‌حل موثری برای کارآمدی در نظام آموزشی ایجاد کنیم و نمی‌دانیم چه باید بکنیم که پرورش نظام آموزشی اهل فکر، کتابخوانی و مسئله‌اندیشی شوند. مدرسه زمان ما باید فرزندان کشور را برای زندگی و کار در جامعه آماده کند و اگر از عهده این مهم برنیاید اتلاف وقت می‌کند. مسائل زندگی جدید بسیار پیچیده است و مدرسه باید کسانی را تربیت کند که بتوانند با آن مسائل و پیچیدگی‌ها مواجه شوند. اگر کتابخوانی در کشور ما جایی ندارد، یکی از جهات آن را در نظام آموزش و پرورش باید جست‌وجو کرد. وقتی فرزندان کشور ۱۰-۱۵ سال همه وقتشان باید صرف خواندن کتاب درسی شود، به مطالب معمولی و عادی عادت می‌کنند و در بهترین صورت اطلاعاتی به دست می‌آورند بی‌آنکه رغبت به مطالعه و فکر کردن و طرح و حل مسائل داشته باشند.

داوری اردکانی با اشاره به برخی شبهات مطرح شده درخصوص ارادت وی به احمد فردید و همچنین تغییر نظراتش درباره غرب، گفت: مرحوم فردید فیلسوف بود و بر گردن من و امثال من حق استادی دارد. اما ایشان اهل سیاست نبود. البته یک استاد صاحب‌نظر حق دارد در سیاست هم اظهارنظر کند. اما توجه من به مسئله غرب مربوط به امسال و پارسال نیست؛ من ۲۷ سال قبل از انقلاب در فضای دانشگاهی به‌عنوان دانشجو و معلم زندگی کرده‌ام و از آغاز جوانی به قدرت غرب به عنوان قدرتی که خواسته یا ناخواسته بر زندگی ما تاثیرگذار است، می‌اندیشیده‌ام. من نقد غرب را از انقلاب آغاز نکردم، بلکه انقلاب را عکس‌العملی در قبال قدرت غرب یافتم و با آن همراه شدم. از آن زمان تا کنون زیربنای نظر من درباره غرب تغییری نکرده است.

رئیس فرهنگستان علوم افزود: اخیراً از من پرسیده‌اند آیا پدید آمدن غرب مکر الهی نیست؟ پاسخ من این است که غرب در ۴۰۰ سال اخیر بر اساس اندیشه و تفکر و با ظهور اراده به قدرت پدید آمده و بر جهان مسلط شده است. اسم مکار هم گمان نمی‌کنم در این دوران اسم غالب الهی باشد و یک تاریخ دو هزار و پانصد ساله یا پانصد ساله نمی‌تواند حاصل مکر خداوندی باشد. "هایدگر" هم نه معتقد به لیبرالیسم بود و نه با کمونیسم سازگاری داشت. او بر این اساس که غرب همه آنچه را که در قوه داشته به فعلیت رسانده است، به پایان تاریخ غربی فکر می‌کرد. اگر "هایدگر" از پایان غرب سخن می‌گفت، دیدگاه او ناظر به شعارها و آرمان‌های اروپای قرون ۱۸ و ۱۹ یعنی آزادی، لیبرالیسم، صلح، عدالت و رفاه بود که با کشتار پنهان ۱۰۰ میلیون انسان در قرن نوزدهم که بهترین دوران تاریخ تجدد بود و کشتار آشکار ۵۰ میلیون انسان در جنگ‌های جهانی در قرن ۲۰ بر یاد رفت و از این نظر، سخن "هایدگر" درست بود. اما این بدین معنا نیست که اراده به قدرت و تکنولوژی عظیم غربی را ناچیز بینگاریم. این قدرت و تکنولوژی ناگهان به وجود نیامد، بلکه ۲۰۰ سال طول کشید تا آنچه در فکر و هنر و فرهنگ ظاهر شده بود، در شیوه زندگی و سیاست و تکنولوژی نیز ظاهر شود. این اواخر کار ما بیشتر نفی غرب بوده است، اما چون نفی و اثبات با هم هستند، وقتی نفی می‌کنیم باید به فکر اثبات هم باشیم. غرب وقتی نفی می‌شود که چیز دیگری بیاید و جای آن را بگیرد. پست‌مدرن‌ها هم هنوز در افق آینده طرحی را نیافته‌اند که با آن تاریخ دیگری آغاز شود و ما هم باید به آینده فکر کنیم.

داوری اردکانی تصریح کرد: ما انقلاب کردیم چراکه وضع آن زمان را عین ظلم می‌دانستیم، دانشگاه‌ها بی‌رونق بود و سایه سنگین اختناق بر جامعه حاکم شده بود. ما قصد داشتیم با انقلاب مان جامعه‌ای بسازیم که در آن مهر، دوستی، آزادی و در یک کلام حق و عدل حاکم شود و مردم به حقوق خود برسند. اکنون هم باید برای نظامی که در آن دوستی و وفاق و همدانستی و راستی و حق‌دوستی و آزادی و عدالت حاکم باشد، بکوشیم. ما که با نام امریکا دشمنی نداریم. ما با ظلم امریکا مخالفیم و به این جهت خود باید در عین مخالفت با ظلم در تحقق عدل بکوشیم.

وی افزود: ما در انقلابمان دنبال جامعه‌ای بودیم و هنوز هم هستیم که کسی در آن گناه نکند. اما اکنون باید بترسیم که مبادا به جایی رسیده باشیم که دیگر ردائل، ردیلت شناخته نشود و قبح گناه و خلاف از میان رفته باشد.

داوری اردکانی در پایان درباره نظراتی که اخیراً از وی درباره ذکاالملک فروغی نقل می‌شود، گفت: فروغی فیلسوف نبود. سیاستمدار و دانشمند بود. او هشتاد سال پیش کتابی در تاریخ فلسفه نوشت که هنوز هم تنها کتاب تاریخ فلسفه‌ای است که یک ایرانی نوشته است. به سیاستش کاری ندارم؛ اما به سلامت طبع و درک و فهم و دانشش احترام می‌گذارم.

منبع/ ایسنا

برچسب‌ها: [حجاب](#) [1]

[فرهنگ](#) [2]

[فساد](#) [3]